

و او در غربت زیست، تا اینکه خورشید زندگی او پنجاه سال پیش غروب کرد. شاه امان الله رفت و اما نام بزرگ او همچنان ورد زبان آزادیخواهان و استقلال طلبان کشور ماست.

شاهدخت اندیا، شاهدخت ناجیه، دکتور سید مخدوم رهین، اعضای محترم کابینه، دانشمندان، خانم ها، آقایان، رهروان راه ترقی و آزادی، امانیان عزیز،

بسیار غم انگیز است که در تلاش آزادی، عدالت و ایجاد دولت قانون، ما در همان جا گیر مانده ایم که شاه امان الله آغاز کرد.

کشور ما در تلاش گذار به جهان نو و پیوستن به کاروان تمدن بشری امروز هم باید از راه بندگان های بسیار شبیه دهه ی بیستم، قرن بیستم گذر کند. تداوم تلاش و مبارزه برای تأمین پایدار آنچه را که شاه امان الله شروع کرده بود، نباید از صدر اجندای تحقق حاکمیت مردم و تحقق دولت قانون دور کرد.

دولت قانون برپایه ایجاد دولت-ملت تنها چارچوب ممکن برای تضمین و تأمین حقوق شهروندان، آزادی و عدالت بر بنیاد حق حاکمیت ملی ناشی شده از اراده مردم به مثابه صاحبان حاکمیت سیاسی، می باشد. اگر چه به سخن گروه مایر، نهادینه نشدن و اجرایی نشدن بسیاری از تلاش های شاه امان الله در راستای ایجاد دولت قانون، از اهمیت عملی اقدام های او می کاهد، (جان هیرن، گروه مایر، 129)، اما تأثیر کار و تلاش او بر بسیاری از پروژه های قانون سازی پس از وی تا امروز ماندگار بوده است. به سخن دیگر، او پیشگام ایجاد نظام حقوقی مدرن در سرزمین ماست. نظامند ساختن حقوق و قانون موجب می شود که نظام اداره به ابزاری دست یابد که دست کم از لحاظ تیوریک موجب حفاظت شهروندان از خودکامگی و بی قانونی شود. اگر چه شاه، به دلیل مقاومت های نخبگان سنتی و

مداخلات گسترده استعمار همواره ناگزیر می شد، تا از برد و ژرفای اصلاحات خود بکاهد، اما با این هم، آنچه را که او وارد نظام حقوقی و فرهنگ اصلاحات در افغانستان نمود، آغاز همه آغازها به سوی تجدید و روشنگری بود.

این بحث که آیا زیاده روی های صورت گرفت و یا نه و یا اینکه آیا به تنهایی می شود اصلاحات را در غیاب جنبش های اجتماعی جانبدار اصلاحات پیاده کرد، بحثی است برون از حوزه صحبت های من. آنچه که در این جا مربوط به من می شود، اشاره ای است کوتاه به اصلاحات پادشاه به ویژه در ساخت قانون سازی.

اهمیت و جایگاه اصلاحات قانونی شاه امان الله در کشور ما، به سخن جان هرین گروه مایر، بسیار دیر مورد شناسایی و قبول افغان ها قرار گرفت. به سخن فرهادی، شاه امان الله می خواست نظام حقوقی را در کشور تنظیم کند که نه در خدمت حکمدار بلکه برای حفظ منافع جمعی در نظر گرفته شده بود. (فرهادی، 1347/1968) در حالیکه تعداد قابل توجهی از پژوهشگران غربی بسیار زود به اصلاحات امانی توجه کردند که در این مورد میتوان از: Beck/Grobba, 1929, 1928, Macmun 1929, Schwager 1932 نام برد. نخستین کسی که اصلاحات امانی در قلمرو حقوق و قانون را به گونه نظامند مورد ارزیابی قرار داد، به باور گروه مایر، پولادا بود که در سال 1973 به این موضوع پرداخت. به باور پولادا "بزرگترین دستآورد امان الله خان در این نهفته بود که به ملت افغانستان قانون اساسی یی را اعطا کرد که تا کنون، علیرغم تمام تغییرات و تفاوت ها، روح و معنای تمام قوانین بعدی افغانستان را شکل داده ست." (پولادا، 1973، 105)

شاه با فرزاندگی و شهامت بی نظیری در دیباچه همه قوانین بر این امر تأکید می کرد، که چگونه روح زمانه او با روح زمانه پیش کسوتانش متفاوت است و باید روح زمان را دریافت. بدون شک این بدین معنا بود که او پیام و ایجابات زمان خود را و نیاز مردم افغانستان را برای رسیدن به یک زندگی بهتر، درک کرده بود و از همین رو بود که با التهاب بی مانند و

شیفتگی بی نظیری خواهان تغییر و دگرگونی در این سرزمین بود.

خانم ها و آقایان،

رقم دقیق نظامنامه ها و قوانین که در دهه امانی انتشار یافتند دقیقا " معلوم نیست. گروه مایر این رقم را بین 70 تا 100 متن تخمین می کند. (گروه مایر 173) در آن سال ها، بسیاری از متون قوانین در مطبعه سنگی کابل به تیراژ بین 400 تا 2000 جلد و همزمان با آن در "امان افغان" و "طلوع افغان" انتشار می یافتند. با اینکه متون نخستین قوانین را بدری بی افندی، مشارو حقوقی شاه با بهره گیری از قوانین ترکیه تهیه می کرد، به باور بیک، متون قوانین در گام نخست، مورد بحث و گفتگوی وزیران، و لویه جرگه قرار گرفته و شخص پادشاه در نهایی کردن محتوای متن و اقناع نمایندگان، نقش بسیار فعالی را بر عهده می گرفت. (بیک، 1928 و 72 و ادامه)

این قوانین برای نخستین بار مسؤلیت ها و حقوق دولت، مقامات، افراد و گروه های اجتماعی را تدوین می کردند. بخش مهمی از قوانین به باور گروه مایر مربوط به تدوین وظایف دولت بودند. بر این مبنا دولت به مثابه نهاد حقوق عامه، و سازمانده منافع عامه باید مسؤلیت خود را در چار چوب قانون در برابر شهروندان بر عهده بگیرد.

شاه در پی رسیدن به قدرت، نخست "نظارت عدلیه" را ایجاد کرد که بزودی نام وزارت عالییه عدلیه را به خود گرفت. تشکیلات و صلاحیت های این وزارت توسط ماده های 33-39 "نظامنامه تشکیلات اساسی دولت عالییه افغانستان که در سال 1302/1923 نافذ گردید، تعیین شده بودند.

آنچه که در رابطه با بحث امروز واجد اهمیت فوق العاده می باشد، اشاعه درک نوینی از حقوق و قانون توسط شاه امان الله بود. وی از یک سوء، به فرا قانونی بودن حکمدار پایان داد و از جانب دیگر اصل اینکه، شهروندان پیش از آنکه دارای وجیبه باشند، دارای حقوقی اند که دولت و حکمدار نمیتوانند به دخواه آن را نادیده بگیرند، و برون از مرز های قانون

به این حقوق صدمه وارد کنند را به مثابه گوهر و ذات نظام حقوقی تدوین نمود.

بر پایه این اصل ایجاب می کرد تا نظام عدلی و دادگستری افغانستان مستقل و غیر جانبدارانه شود. استقلال و بی طرفی نظام دادگستری به تنهایی کافی نبود، بلکه مجریان حقوق و عدالت نیز باید به درک جدیدی از قانون و عدالت دست می یافتند. این امر ایجاب می کرد تا قاضیان کشور به دانش های مدرن حقوقی آشنا گردند. بر این مبنا، شاه، نه تنها به دلیل آوردن دانش های مدرن به کشور بلکه به دلیل دسترسی به کارمندان و مجریان آگاه به دانش های معاصر، دست به تأسیس مکتب های ابتدائیه و متوسطه زد. در حالیکه فارغان این مکاتب می توانستند به عنوان کارمندان دولت تا حدودی نیاز های نظام را برطرف کنند، اما توانایی و درک حقوقی کافی برای گرفتن مسئولیت مقام قضاوت را نداشتند. افزون بر آن، اجرای عدالت در افغانستان آن زمان بیشتر در انحصار قشر معینی از جامعه بود، که ظهور قاضیان جدید با دسترسی به دانش حقوقی نوین می توانست موقعیت ممتاز آن ها را با خطر مواجه سازد. از این رو، شاه تلاش کرد تا از علما و روحانیان همچنان برای اجرای عدالت بهره گیری کند؛ تا اینکه نخستین مکتب مدرن برای آموزش قضات در سال 1928 تأسیس گردید که بعد ها در توفان ضد انقلاب 1929 نابود شد.

ساحت عدلیه تنها قلمرو اصلاحات شاه امان الله نبود. بررسی های من که در کتاب، "افغانستان، فرایند عقب ماندگی و مقاومت" در این مورد انتشار یافته اند، نشان می دهند، که شاه فرزانه دست کم در 61 حوزه اجتماعی، حقوقی و سیاسی دست به اصلاحات زد. (سپنتا، 1991، 122) زنده یاد، داود فارانی، عصر امانی را، عصر یک صد آغاز نو میداند. (فارانی، 1986، 34)

د راستای تدوین نظام حقوقی افغانستان، نظامنامه مالیه زمین در سال 1920 نافذ گردید که انفاذ، نظامنامه محصول مواشی در سال 1922 گام دیگری بود در راستای مدرنیزه و بیروکراتیزه کردن نظام مالیاتی کشور. قانون فروش زمین های

دولتی، 1924، و همچنین انفاذ قانون جزای افغانستان و تعیین مرز های مجازات همه گام های مشخصی بودند به سوی تدوین نظام قانونی و حقوقی کشور. بر مبنای همین قانون جزا بود که در تاریخ افغانستان برای نخستین بار، شکنجه و تعزیر انسان ممنوع اعلام شدند.

در همین دوران نخستین دستگاه تلگراف، نخستین فرستنده رادیویی، نشر روزنامه های، انیس، اتفاق اسلام و چندین نشریه دیگر، احداث نخستین راه آهن، لغو بردگی، لغو بیگاری و ده ها نخستین دیگر سر فصل های زیبای از اصلاحات شاه امان الله را به نمایش می گذارند.

با اینکه ساختار های دولت، به سخن ماکس کلیم بورگ، کماکان، اتوریتز باقی ماندند، اما اصلاحات شاه فصل شکوفانی را پیشا پیش مردم افغانستان باز نمود. (کلیم بورگ، 1966، 93)

شاه و بانوی فرزانه ملکه ثریا، هر دو تلاش کردند تا دختران میهن ما نیز تا حدودی به حقوق و آزادی های شان دست یابند. دروازه های مکاتب به روی دختران باز شد و بانوان جوان کشور برای تحصیل عازم خارج گردیدند، شرایط ازدواج دختران و بیوه ها بر اساس قانون تنظیم شدند.

برای اینکه به تحقیر هنر های نمایشی پایان داده شود، شاه و ملکه هر دو در نخستین نمایش مدرن در کشور ما، خود نقش شان را در درامه استقلال بازی کردند.

خانم ها و آقایان،

شورش و عصیان به شاه مجال تحقق برنامه هایش را ندادند و شاه در پی یک شورش، که دارای هیچ ویژه گی رهایبخش و هدف کمک به مشارکت مردم ما به کاروان تمدن معاصر باشد، نبود، ناگزیر به ترک میهن شد. نه رهبر شورشیان توانست با ضد اصلاحات دیری بر اریکه قدرت بماند و نه هم استبداد بی مانند تاریخی که در پی آن، بر این سرزمین حاکم گردید.

مردم افغانستان در تلاش آزادی قربانی های بیشماری داده اند. شاه امان الله بزرگترین فرزند برومند، آزادیخواه شوریده و اصلاح طلب پی گیر کشور ما می باشد. بررسی برنامه های اصلاحی شاه باید در همان متن تاریخی و اجتماعی آغاز قرن بیستم صورت بگیرد و در حیرتم که حتا با در نظر داشت همان متن تاریخی هم، اصلاحات وی و شخص وی در باور و تفکرش، دهه ها از جانشینانش جلو اند. تقلیل مضمون گسترده و پیام فراگیر اصلاحات شاه برای غلبه بر خلسه و بی حرکتی قرون و ترقی ستیزی را نمیتوان با تقلیل گفتمان اصلاحات وی به تعطیل اعلان کردن روز پنجشنبه و یا تغییرکلاه و لباس کارمندان دولت، مورد سوال قرار داد؛ با اینکه در همین حرکت های نمادین و ظاهرا "بی مفهوم نیز رویکردی مبتنی بر عقلانیت اقتصادی نهفته بود. جانشینان شاه 90 سال بعد از او با همه پیشرفت های که در ساحت ایجاد اقتصاد بازار و جهانی شدن بده و بستان ها رونما گردیده است و با اینکه اکثریت مطلق کشور های اسلامی روز شنبه را تعطیل اعلان کرده اند، نمیتوانند این روز را روز رخصتی اعلان کنند، شاه بدون آزمایش نبض جهل و تعصب چگونه می توانست طوری دیگری عمل کند.

برخلاف همه تبلیغات، شاه شخصی متدین، شیفته اسلام ولی عاشق سینه چاک افغانستان عزیز بود و به جرم همین عشق ممنوع نیز محکومش کردند.

شاه امان الله، در شیفتگی به استقلال و آزادی این میهن، سرآمد همه سرداران و سالاران آزادی کشور ماست. این سرزمین یاد و نام شاه امان الله را همچنان با افتخار و سربلندی، تا سرمدی، تا جاویدانه، بلند نگه خواهد داشت. او فرزند راستین این آب و خاک بود، عاشقی سینه چاک به میهن و مردم. نام و یاد شاه امان الله و همراهانش، محمود بیگ طرزی، ولی محمد خان دروازی، عبدالرحمن لودین غلام نبی خان چرخی و بیشماران دیگری که در راه استقلال، آزادی و تأمین حقوق شهروندی و تحقق حاکمیت مردم جان های شان را فدا کردند، همواره در دل و زبان این مردم به تکرار یاد خواهد شد. شاه رفت و از خود فرهنگ و معرفت آزادی خواهی به میراث گذاشت.

وارثان او کماکان این جنگ مقدس را برای تحقق میراث
آزادخواهی و تمدن طلبی ادامه خواهند داد.

او شایسته ترین فرزند این سرزمین بود، روانش شاد و یادش
جاویدان باد!